

تأثير احكام قضايي و مجازاتها بر اقتصاد ايران

عمادالدين باقي

چندسال پيش درباره فرار خاوري و ديگر مجرمان در يادداشتي با عنوان «نقدي بر گزارش سازندگي درباره اعدام مجرمان اقتصادي» نوشتم كه «بيانيه‌هاي بي در بي صادره ازسوي نهادهاي حقوق بشري يا قطعنامه‌هاي مجمع عمومي سازمان ملل عليه ايران كه فقط با محكوميت ايران و تكرار شعارهاي كليشه‌اي مواجه ميشود، چه پيامدهاي مهمي دارد! نه تنها هزينه‌هاي اقتصادي سنگيني به كشور تحميل مي‌كند و حق ريسك دريافتي توسط شرکتهاي بيمه‌اي و اتباع بيگانه را افزايش مي‌دهد بلكه متزلزل كردن اعتماد به دستگاه قضايي يك كشور چگونه حصار اميني براي مجرمين فراهم کرده و مي‌توانند به رغم مسلم بودن جرمشان در كشورهاي ديگر پناهندگي بگيرند و در واقع عدم شفافيت و اعتماد به روند دادرسي، خدمت به مجرمين را تدارك مي‌كند» و در گفتار ديگري هم تحت عنوان «پيوستگي امنيت قضايي با امنيت اقتصادي» (روزنامه شرق، شماره 3843 يکشنبه ۲۷ مهر ۱۳۹۹ ص 1□) رابطه اين دو را بيان کردم.

چون به تازگي آقاي رييسي- اينبار در مقام رييس قوه مجريه- اعلام کرده است: «بايد ورود ايرانيان به كشور تسهيل شود و سرمايه‌گذاري در كشور توسط ايرانيان خارج از كشور در اولويت قرار گيرد. ايرانيان خارج از كشور بايد بدانند وطن و خاك آنها براي آنان اولويت سرمايه‌گذاري را حفظ خواهد کرد» لازم ديدم بار ديگر از جنبه ديگري از رابطه دستگاه قضا با اقتصاد و زندگي مادي مردم بگويم.

در دولت قبلي نيز در تير ۹۸ اعلام شد در ازاي سپرده‌گذاري ۲۵۰ هزار دلاري به خانواده خارجي، اقامت داده ميشود. اما چند روز پيش وزارت كشور اعلام کرد ظرف ۲ سال، حتي يك نفر حاضر نشد اين دعوت را بپذيرد. خبرگزاري ايرنا مي‌نويسد: «معاون هماهنگي امور اقتصادي و توسعه منطقه‌اي وزارت كشور گفت: مصوبه هيات وزيران در تيرماه ۱۳۹۸ مبني بر صدور مجوز اقامت پنج‌ساله براي خارجي‌ها در ازاي سرمايه‌گذاري يا سپرده‌گذاري بلندمدت ۲۵۰ هزار دلاري، موفقيت‌آميز نبود و مورد استقبال قرار نگرفت. با يك دين‌پرست افزود: بر اساس

این مصوبه، هر متقاضی خارجی می‌توانست با سرمایه‌گذاری یا سپرده‌گذاری ۲۵۰ هزار دلاری در کشور که به تایید وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان سرمایه‌گذاری رسیده باشد، مجوز اقامت پنج‌ساله در ایران را دریافت کند. (روزنامه دنیای اقتصاد، ش ۵۲۷۴ شنبه ۳ مهر ۱۴۰۰) عدم استقبال از سرمایه‌گذاری برای کسب مجوز اقامت در ایران). اگر ساکنان ایران کشور (که من تعمداً از به کار بردن تعبیر مسوولان یا مدیران پرهیز می‌کنم زیرا به جز معدودی، به واقع آنها نه مسوولند یعنی پاسخگویی اعمالشان نیستند و نه مدیرند) کمی احساس مسوولیت داشتند باید از خود می‌پرسیدند که چرا چنین است؟ چرا در حالی که کشورهایمانند امارات، سنگاپور، ترکیه، قبرس و بسیاری کشورهای دیگر اقتصادشان به خاطر استقبال سرمایه‌گذاران خارجی رونق پیدا کرده در ایران حتی یک نفر حاضر نمی‌شود ۲۵۰ هزار دلار سرمایه‌گذاری کند تا کارت اقامت بگیرد! چرا مردمان دنیا برای گرفتن کارت اقامت در بعضی از کشورها جان خودشان را به خطر می‌اندازند...

تمام سرمایه‌شان را به آنجا می‌برند و سر و دست می‌شکنند فقط به خاطر اینکه اجازه ورود یا اقامت یا ویزای کار به آنها داده شود؟ اما در کشور ما به رغم همه ادعاهایی که ساکنانانش دارند چنین اتفاقی نمی‌افتد؟

مادامی که هیچ یک از ساکنان ایران کشور حتی یک بار هم حاضر نیستند در شعارها، راهبردها، اندیشه‌ها و آنچه در این سالها گفته و عمل کرده‌اند تردید کنند و معتقد به تجدید نظر شوند در بر همین پاشنه خواهد چرخید.

در دنیای امروز همه‌چیز به هم ربط دارد. تفکیک قوا هم به معنی جزایر دورافتاده نیست بلکه نوعی استقلال در عین همکاری و پیوستگی است اما ساکنان ایران در ایران نه ارتباط همه‌چیز در عالم را به نیکی دریافته‌اند نه تفکیک قوا را درست فهمیده‌اند. وزرای خارجه وقتی در برابر انتقاد حقوق بشری خبرنگاران خارجی قرار می‌گیرند می‌گویند «قوه قضاییه مستقل است» چرا؟ چون جرأت نمی‌کند جز این بگوید. ولی موضوع فراخوان برای سرمایه‌گذاری، نمونه‌ای است که نشان می‌دهد چطور اعتبار دستگاه قضایی بر اقتصاد کشور تاثیر مستقیم و عمیق می‌گذارد. چرا سرمایه‌گذاران خارجی جرأت نمی‌کنند بیایند؟

کافی است به عقب برگردید و ببینید تاکنون چند تن از صاحبان سرمایه یا نخبگان که به ایران آمده‌اند به اتهاماتی بازداشت و چند سال گرفتار زندان شده‌اند؟ کافی است سرنوشت ده‌ها پرونده که یکی از معروفترینش پرونده ایران مارین سرویس بود را بررسی کنید و ببینید

که چگونه افرادی که به خاطر کشورشان سرمایه‌شان را آوردند به بهانه‌های واهی نابود شدند یا گرفتار مصادره و زندان شدند. پرونده‌های معروف به جرایم اقتصادی و سلطان‌ها و پرسش‌های بی‌پاسخ درباره آنها، و نحوه دادرسی در جرایم اقتصادی را بنگرید که به استناد يك استفساریه، قانون آیین دادرسی را در این پرونده‌ها تعطیل می‌کنند و به طرزی باور نکردنی حق دفاع و حق وکیل و فرجام‌خواهی را سلب و شدیدترین برخورد را خارج از چارچوب‌های قانونی تجویز می‌کنند.

افزون بر اینها فقط خود دست‌اندرکاران حکومت می‌دانند احکام مصادره‌ها چه سرمایه عظیم و بادآورده‌ای ایجاد کرده که چندین نهاد بزرگ مالی در کشور پدیدآورده که می‌توانند جزو کارتل‌های بین‌المللی باشند. سالیان درازی است که هنوز مردمی در پی اموال مصادره‌شان می‌دوند. هنوز هزاران نفر هستند که اموال‌شان در بازرسی‌ها یا توقیف‌ها با وجود صراحت قانون، مرجوع نشده طوری که آقای محسنی اژه‌ای رییس قوه قضاییه می‌گویند «اکنون برخی اموال توقیفی در مواردی به شکل نادرستی در انبارهای سازمان اموال تملیکی نگهداری می‌شوند که به نفع کشور، تولید، اقتصاد و مردم نیست» (روزنامه دنیای اقتصاد ۲۵ شهریور ۱۴۰۰).

يك نمونه جزئی از هزاران، این است که پس از سال‌ها هنوز اموال ضبط‌شده نگارنده در بازرسی در سال ۱۳۸۸ برخلاف قانون، بازگردانده نشده است. جالب اینکه تاکنون چندین بار گفته و نوشته‌ام اما حتی يك نفر از مسوولان قضایی نپرسیده است چرا و موضوع چیست؟ اما اگر سخنی گفته یا نوشته بودم که به تریح قبای حضرات بر می‌خورد بی‌درنگ دیده می‌شد و مورد توجه و پیگیری قرار می‌گرفت و احضاریه و تشکیل پرونده و محکومیت را در پی داشت.

با وجود این دعوت‌ها برای سرمایه‌گذاری اما نه تنها سرمایه به ایران نمی‌آید که هر روز سرمایه‌های بیشتری فرار می‌کنند. ایرانیان رتبه اول خریدهای خانه را در ترکیه دارند. عربستان با فاصله زیادی در رتبه دوم و روس‌ها در رتبه سوم قرار دارند. در سال ۲۰۲۱م نیز ایرانیان با خرید ۱۵۹۹ واحد مسکونی همچنان رتبه اول را حفظ کرده‌اند.

نخبگان نیز فوج فوج می‌روند و اینها یعنی فرار سرمایه. بعضی مقامات هم می‌گویند همان بهتر که فرار می‌کنند چون ما نخبه انقلابی می‌خواهیم.

اصلا سرمایه‌گذاری خارجی پیشکش. چرا ایرانیانی که ۶۰۰۰ میلیارد دلار سرمایه دارند و فقط نیمی از آن بدون نیاز به درآمد نفت، اقتصاد ایران را دگرگون می‌کند نمی‌آیند؟ که بسیاری‌شان وطن‌پرست هم هستند.

